

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.4, winter2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.293000.1920>

**Investigation and analysis of the Iran-Turan wars during the time of Keykhosrow
With an approach to the theory of just war**

Abstract

One of the main parts of Shahnameh was dealing with the wars between Iran and Turan during the reign of Keykhosrow and Afrasyab. Due to the political power of both countries at that time, many tensions and military confrontations took place, which were accompanied by adverse human and financial consequences and repeatedly aroused Ferdowsi's hesitation and regret in the text of Shahnameh. According to Keykhosrow's religious and moral character and his tendency towards spiritual and cognitive concepts, his approach to categories related to the monarchy, including war with foreigners, has been formed based on human standards. Accordingly, in the present study, the military actions of Shah Iranshahr against the Turanians are examined based on library sources and descriptive-analytical method to explain the superstructure and depth of Keykhosrow's intentions of attacking Turan and occupying this land. The foundations of the theory of just war have been used for this purpose. The results of the research show that the purpose and motivation of Keykhosrow from the campaign to Turan and the beginning of the war was to secure personal and group interests and the manifestations of a just and realistic war are evident in it. Also, the Shah's actions in the middle of the war were carried out with regard to moral laws, preservation of human dignity, avoidance of extremist treatment of civilians, and rational and forgiving treatment of prisoners of war. In addition, the prominence of human interests and the reform of the political and economic structure of Turan at the end of the war indicate the dominance of the rules of just war in this politico-military confrontation.

Keywords: Ferdowsi, Shahnameh, Iran and Turan, Keykhosrow and Afrasyab, Just War.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.293000.1920>

بررسی و تحلیل جنگ‌های ایران و توران در زمان کی‌خسرو با رویکرد به نظریه جنگ عادلانه

محمد رضا فاطمی مقدم سقی^۱

فرشاد میرزایی مطلق*^۲

مسعود سپه‌وندی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

چکیده

یکی از بخش‌های اصلی شاهنامه پرداختن به جنگ‌های ایران و توران در زمان پادشاهی کی‌خسرو و افراسیاب بوده است. با توجه به قدرت سیاسی هر دو کشور در آن زمان، تنش‌ها و تقابل‌های نظامی بسیاری روی داده که همراه با پیامدهای نامطلوب جانی و مالی بوده است. با توجه به شخصیت دینی و اخلاق‌محور کی‌خسرو و گرایش او به مفاهیم معنوی و شناختی، رویکرد او به مقولات مرتبط با پادشاهی از جمله جنگ با بیگانه بر اساس موازین انسانی شکل گرفته است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، اقدامات نظامی او علیه تورانیان با استناد به منابع کتابخانه‌ای، روش تفسیری- کیفی و مبانی نظریه جنگ عادلانه بررسی شده است تا روساخت و ژرف‌ساخت اغراض وی از حمله به توران تبیین گردد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هدف و انگیزه کی‌خسرو از لشکرکشی به توران و آغاز جنگ، برای تأمین منافع شخصی و گروهی بوده و نمودهای جنگ عادلانه و واقع‌گرا در آن مشهود است. همچنین، اقدامات شاه در میانه جنگ با نظر داشت قوانین اخلاقی، حفظ کرامت انسانی، پرهیز از برخوردهای افراطی با غیرنظامیان، برخورد منطقی و مبتنی بر بخشش با اسیران جنگی انجام شده است. افزون بر این، برجسته بودن منافع انسانی و اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی توران در پایان جنگ، حاکی از چیرگی قواعد جنگ عادلانه در این تقابل سیاسی- نظامی است.

کلیدواژه‌ها: فردوسی، شاهنامه، ایران و توران، کی‌خسرو و افراسیاب، جنگ عادلانه.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل: Mirzaifarshad@gmail.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

یکی از مباحث اصلی و مهمی که فردوسی در شاهنامه مطرح می‌کند، بازنمایی جنگ‌های ایران و توران در زمان کی‌خسرو و افراسیاب است. در این نبردها خسارت‌های جانی و مالی گسترده‌ای بر پیکره جامعه ایران و توران وارد شده و هزینه‌های گزافی بر دو کشور تحمیل گردیده است. هنگامی که کی‌خسرو از توران راهی ایران می‌شود و بجای نیای خود، کاووس بر تخت پادشاهی می‌نشیند، یکی از نخستین اقداماتی که پس از تثبیت قدرت خود انجام می‌دهد، تدارک حمله به توران و آغاز کردن جنگ با افراسیاب است. او انگیزه‌های مختلفی در این رابطه داشته و سعی کرده است با سخنرانی خود در حضور سران کشوری و لشکری و ایجاد ایجاد اتحادی در میان ایرانیان، رضایت آنها را برای شکل‌گیری این تقابل نظامی جلب کند. این دو کشور از دیرباز چالش‌های بسیاری را تجربه کرده و بارها به منافع یکدیگر تعرض و حمله کرده بودند. شاید رقابت سیاسی که میان ایران و توران برقرار بوده و نیز، اختلافات و کینه‌ورزی‌های تاریخی به واسطه قتل بنیادگذار ایران (ایرج) به دست پایه‌گذار حکومت توران (تور)، آتش جنگ و نزاع را در ساختار سیاسی کشورها و حتی مردم عادی زنده نگاه داشته است. اوج این تعارض‌ها پس از کشته شدن سیاوش در سرزمین توران و اقدام برای قتل کی‌خسرو نمودار شده است. با رسیدن کی‌خسرو بر تخت شاهی و تبدیل شدن او به شخصی تأثیرگذار در سیاست‌های کلان کشور، برای انتقام از خون پدر و احیای هویت خدشه‌دار شده ملی آماده نبرد می‌شود تا از طریق کاربست هژمونی سخت و قهری، ایران را به عنوان ابرقدرت جهان باستان معرفی کند.

طبق روایت فردوسی در شاهنامه، کی‌خسرو شاهی با صفات اخلاقی برجسته بوده است. در مرام سیاسی او برای اداره کشور و برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، عناصری چون: عدالت، صلح‌دوستی و انسان‌گرایی اهمیت دارد و او در هر شرایطی از برخی مؤلفه‌ها عدول نمی‌کند. با در نظر داشتن این پیش‌انگاره، هدف و مسأله اصلی در تحقیق حاضر، بررسی و تحلیل کیفیت و ماهیت کنش‌های کلامی و رفتاری کی‌خسرو در تقابل با تورانیان بر اساس چهارچوب‌های نظریه جنگ عادلانه (Just War) است. سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. اهداف و انگیزه‌های کی‌خسرو از حمله به توران چه بوده است؟ ۲. راهبردهای نظامی شاه ایران‌شهر در برابر غیرنظامیان و ایران جنگی بر چه محوری بوده است؟ ۳. اقدامات کی‌خسرو پس از پایان جنگ چه سویه‌هایی داشته است؟

روش تحقیق

این تحقیق با استناد به منابع کتابخانه‌ای، روش تفسیری-کیفی و کاربست نظریه جنگ‌های عادلانه تدوین شده است. ساختار کلی پژوهش به این شکل است که ابتدا ابعاد گوناگون جنگ عادلانه تشریح شده و در بخش اصلی مقاله، تقابل میان کی‌خسرو با افراسیاب ذیل سه عنوان کلی «آغاز جنگ»، «میان جنگ» و «پایان جنگ» بازکاوی و تبیین گردیده است. همچنین، جامعه آماری تحقیق، شاهنامه فردوسی و حجم نمونه، نبردهای ایران و توران در زمان کی‌خسرو بوده است.

پیشینه تحقیق

تاکنون در هیچ پژوهشی کیفیت تقابل نظامی ایرانیان و تورانیان در زمان کی‌خسرو بر اساس چهارچوب‌های نظریه جنگ عادلانه بررسی و تحلیل نشده است. بنابراین، تحقیق حاضر برای نخستین بار به این مقوله مهم اشاره می‌کند و از زاویه‌ای جدید به کیفیت و نحوه برخورد شاه ایران‌شهر با دشمنان بیرونی خود می‌پردازد.

در شماری از پژوهش‌ها توضیحاتی کلی و مختصر درباره جنگ‌های ایران و توران ارائه شده است. شهیدی مازندرانی (۱۳۷۶) در کتاب خود به مرزهای ایران و توران در زمان کی‌خسرو بر اساس شاهنامه فردوسی پرداخته و در اثنای توضیحات خود، اشاره‌ای کوتاه و توصیف‌محور به جنگ‌های این دوره داشته است. تجلیل و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به شخصیت ضداجتماعی افراسیاب در شاهنامه پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که او با انجام کنش‌هایی چون: عدم وفای به میثاق، تحریک-پذیری، تکانشگری، پرخاشگری، عبرت نیاموختن از گذشته، توانایی دلیل‌تراشی و فرافکنی کارهای نادرست خود به دیگران، بدگمانی و سنگدلی، حيله‌گری و فریبکاری، بهره‌برداری از دیگران و عدم برنامه‌ریزی و تأمل در کارها باعث بروز درگیری و جنگ میان ایران و توران شده است. سلامت‌باویل (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به کارکرد سیاسی داستان سیاوش و روابط بین ایرانیان و تورانیان در شاهنامه پرداخته است. از دید نویسنده، شخصیت سیاوش مورد بهره‌برداری سیاسی تورانیان قرار گرفته و با به کار بردن نیرنگ از میان برداشته شده است.

مبانی نظری تحقیق

در ارتباط با پدیده جنگ سه دیدگاه مهم در دوران معاصر مطرح شده است: جنگ واقع‌گرا، صلح‌گرا و عادلانه. نظریه جنگ عادلانه حاصل نگاه اخلاقی به این پدیده است. بروز خشونت‌ها و رفتارهای غیرانسانی که در جنگ‌ها به وجود آمده، بسیاری از نظریه‌پردازان و محققان حوزه سیاست را به سوی تبیین نظریه‌ای سوق داده است که در آن، اخلاقیات جایگاهی مهم و تأثیرگذار دارد. این نظریه برای نخستین بار در منابع دینی و فلسفی و از سوی مارکوس تولیوس سیسرو (Marcus Tullius Cicero) مطرح شده و در ادامه با آراء سنت‌آگوستین (Saint Augustinus) جامعیت پیدا کرده است. «این نظریه پلی می‌زند میان اخلاق نظری و اخلاق عملی و کاربردی؛ چه لازمه آن ... در نظر داشتن شرایط و الگوهای فرااخلاقی و تدقیق در مسائل عملی جنگی است» (موزلی، ۱۳۹۷: ۷۸). در این نظریه سعی شده است با تأکید بر عدالت به مثابه غایتی اخلاقی، توجیهاتی برای ماهیت جنگ‌ها تبیین گردد. بنابراین، عدالت جنگی در سه سطح نمود پیدا می‌کند: آغاز، میانه و پایان جنگ (Ormed, 2005: 5). جنگ عادلانه باعث می‌شود رفتار فاتحان در برابر گروه مغلوب، مبتنی بر شاخصه‌های انسانی و اخلاقی باشد و آنچه امروزه تحت عنوان جنایت جنگی می‌شناسیم، در مقیاس محدودتری روی دهد و افراد بی‌گناه کمتری کشته شوند و به لحاظ جانی و مالی خسارت کمتری پدید آید.

جنگ عادلانه دارای شش شاخصه اصلی است: ۱. هدف عادلانه (در برابر تجاوز و ظلم باشد)؛ ۲. انگیزه عادلانه (برای تنفر، انتقام و تجاوز نباشد)؛ ۳. آغاز جنگ از سوی دولت مشروع؛ ۴. جنگ به عنوان تنها راه‌حل؛ ۵. وجود احتمال پیروزی؛ ۶. چیرگی منافع انسانی بر ضررهای احتمالی (حاج‌اسماعیلی و حبیب‌اللهی، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۴). هدف اصلی در جنگ عادلانه، دفاع و صلح است (مهدویان و افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۶۶-۱۶۷). بنابراین، رویکرد اصلی نظریه‌پردازان در جنگ عادلانه، تأکید بر صلح‌گرایی و اصلاح مبانی نادرست است تا جامعه مغلوب با بازآفرینی ارزش‌های معنوی و الهی، خود را بازسازی کند و به سوی برپایی دولتی اخلاقی و خدامحور گام بردارد.

بحث اصلی

هنگامی که کی‌خسرو بر تن شاهی تکیه می‌زند و جانشین کاووس می‌شود، در اولین اقدام خود به نواحی دوردست کشور می‌رود تا کیفیت زندگی مردم عادی را بررسی کند و از احوالات رعیت باخبر شود. مشاهده وضعیت نامطلوب زندگی روزمره شاه

ایران را برای ریشه‌یابی و حل این بحران مترصد می‌کند. او به این نتیجه می‌رسد که دست‌درازی‌های تورانیان به فرماندهی افراسیاب یکی از اصلی‌ترین عوامل کاهش کیفیت اقتصاد مردم مرزنشین شده است. در نتیجه، برای بازگرداندن ثبات اقتصادی در این مناطق و بهبود زندگی مردم، برنامه‌ای را برای برچیدن بساط حکومت افراسیاب طراحی می‌کند و رویکرد خود را با بزرگان کشوری و لشکری در میان می‌گذارد و پس از جلب رضایت آنان، تدارکات نظامی را مورد نظر قرار می‌دهد. رویکرد اقتدارگرایانه کی خسرو در برابر شاه تورانی مبتنی بر عدم تسامح و سازش بوده است، زیرا باور داشت که رواداری با چنین فردی منجر به بحرانی‌تر شدن اوضاع مردم عادی و مرزنشین می‌شود. در این بخش، کنش‌های کلامی و رفتاری کی خسرو در برابر غارتگری تورانیان بر مبنای نظریه جنگ عادلانه بررسی می‌شود.

۱. آغاز جنگ

۱-۱. هدف، قصد و انگیزه جنگ

در جنگ عادلانه که ماهیتی دینی و اعتقادی دارد و برای رضای خداوند و ترویج قواعد الهی در سرزمین‌های مختلف درمی‌گیرد، اهداف عالی و انگیزه‌های غیرشخصی و همراه با معنویت مطرح می‌شود. «پیروی از قانون طبیعی [در جنگ] ... باید انسان را به سمت هدف نهایی که معنوی است، پیش ببرد» (باقری و حقیقت، ۱۳۹۲: ۳۵). آغازکننده جنگ بر اساس خویشکاری دینی که برای خود در نظر می‌گیرد، نبردی را با طرف مقابل - که به زعم او ناقض مبانی دینی و اعتقادی است - آغاز می‌کند. «اگر دولت زمینی را مشاهده کردیم که در حال توسعه مصرف‌گرایی است، با برپایی جنگ راه را برای رسیدن به جامعه‌ای بر اساس تقوا و عدالت بر طبق آموزه‌های مسیحی هموار کردیم» (آگوستین، ۱۳۸۷: ۵۶). بنابراین، هدف و انگیزه کانونی در جنگ عادلانه مبتنی بر اصلاح رفتار متخاصم و هدایت او به سوی چهارچوب‌های الهی و معنوی است. اگرچه جنگ پدیده‌ای مطلوب نیست و غالباً با خسارت‌های جانی و مالی بسیاری همراه است، اما با این انگیزه و هدف که اصلاح گروهی از منحرفان را در پی داشته باشد، توجیه‌پذیر است و اقدام به آغاز آن، مانعی ندارد. بر این پایه، به محض آنکه تغییرات معرفتی مورد نظر ایجاد شود، جنگ پایان می‌یابد و تداوم آن به هیچ روی درست نیست؛ زیرا «هدف از جنگ [عادلانه]، تأمین امنیت و صلح و ایجاد رفاه معنوی شهروندان است» (Augustine, 2010: 29) و پس از تحقق این اهداف، جنگ کارکرد خود را از دست می‌دهد و توقف آن ضرورت می‌یابد.

نگاهی به تقابل کی خسرو با افراسیاب نشان می‌دهد که نقش اهداف و انگیزه‌های شخصی در کنار انگیزه‌های الهی و مینوی، برجسته بوده است؛ زیرا هدف و قصد شاه ایران، غیر از براندازی حکومت افراسیاب و برهم‌زدن ساختار سیاسی توران به نفع خود، بازسازی غرور خدشه‌دار شده ایرانیان پس از قتل مظلومانه سیاوش و در نگاهی کلی‌تر، برچیدن بساط تباهی و نیروهای اهریمنی بوده است. بنابراین، نوعی انگیزه شرس‌تیزی و تقابل میان نیک و بد در ژرفای مقاصد کی خسرو دیده می‌شود. طبق روایت فردوسی، چهار دلیل کلی برای آغاز جنگ میان این دو کشور قابل تصور است که عبارتند از: ۱. احیاء غرور جریحه‌دار شده ایرانیان ۲. کین‌خواهی خون پدر ۳. از بین بردن ساختار سیاسی تورانیان به عنوان رقیب و تهدید سنتی ۴. برچیدن حکومت تورانیان به عنوان نمود عینی نیروهای اهریمنی. در ادامه به هر کدام از این موارد پرداخته می‌شود.

یکی از انگیزه‌های کی خسرو برای لشکرکشی به توران، کین‌خواهی از خون سیاوش است که در لایه اولیه مسأله‌ای شخصی به نظر می‌رسد، اما با واکاوی دقیق‌تر انگیزه کی خسرو می‌توان به ابعاد گروهی این امر پی برد، زیرا او با کشتن افراسیاب،

عزت و غرور خدشه‌دار شده ایرانیان را احیا می‌کند. به بیان دیگر، اگرچه کی خسرو در ظاهر برای انتقام‌جویی از خون پدرش به این جنگ تن می‌دهد، ولی در ژرفای این حرکت باید نوعی حس انتقام‌جویی ملی را جستجو کرد. به این معنا که کی خسرو می‌دانست ایرانیان چه اندازه از این قتل ناجوانمردانه سرخورده هستند. در نتیجه، سعی می‌کند با شکست تورانیان و کشتن شاه این کشور، خودباوری و اعتماد به نفس ایرانیان را زنده نماید و به آنان شخصیت و خودباوری بخشد. بنابراین، انتقام گرفتن از تورانیان به دلیل قتل سیاوش، مسأله‌ای حیثیتی بوده است. «بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جنگ شاهنامه، جنگ کین‌خواهی سیاوش است. در میان ایران و توران، مفهوم این جنگ از نظر ایرانیان بر کرسی نشاندن حق است ... [این] جنگ، جنگ دفاعی است». (اسلامی - ندوشن، ۱۳۷۰: ۲۶) کی خسرو پس از رسیدن به قدرت، در سخنرانی برای درباریان به صراحت از انگیزه‌های خود برای حمله به توران سخن می‌گوید.

از افراسیاب اندر آمد نخست	دو رخ را به خون دو دیده بشست
بگفت آنک او با سیاوش چه کرد	از ایران برآورد یکباره گرد
بسا پهلوانان که بی‌جان شدند	زن و کودک خرد پیچان شدند
بسی شهر بینی از ایران خراب	تبه گشته از رنج افراسیاب ...
چو بشنید ازو شهریار جوان	سوی آتش آورد روی و روان
به دادار دارنده سوگند خورد	به روز سپید و شب لاژورد
به خورشید و شمشیر و گنج و کلاه	به مهر و به تخت و به دیهیم و گاه
که هرگز نییچم سوی مهر اوی	نییم به خواب اندرون چهر اوی

(فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۹-۷)

کی خسرو پیش از آنکه فرمان آغاز جنگ با تورانیان را صادر کند، در خلوت خود با خداوند نیایش می‌کند. در این مونیولوگ بخش دیگری از انگیزه‌ها و اهداف شاه ایران نمودار است. او از خداوند یاری می‌طلبد تا همچون گذشته یاریگرش باشد تا بتواند بر حق مظلومان از جمله سیاوش را از افراسیاب بستاند. او شاه توران را فردی عاری از پرهیز توصیف می‌کند که جسورانه تن به هر گناهی می‌دهد و موجب گسترش فساد روی زمین می‌شود. بنابراین، کی خسرو با این باور که افراسیاب در زمره سپاهیان اهریمن قرار گرفته است، قصد جنگ با او را دارد تا یکی از پایگاه‌های اصلی نیروهای شر منهدم شود و به پایگاهی برای لشکریان اهورامزدا بدل گردد. نیایش شاه ایران با خداوند و دلایلی که بیان می‌کند در تقدس‌مآبی این نبرد و مشروعیت بخشیدن به اقدامات نظامی وی اهمیت دارد و بُعد معنوی و غیرشخصی اقدام کی خسرو را برجسته می‌کند.

چنین گفت کای دادگر یک خدای	جهاندار و روزی‌ده و رهنمای
به روز جوانی تو کردی رها	مرا بی‌سپاه از دم ازدها
تو دانی که سالار توران‌سپاه	نه پرهیز داند نه ترس از گناه
به بیران و آباد نفرین اوست	دل بی‌گناهان پر از کین اوست
به بیداد خون سیاوش بریخت	برنی مرز باران آتش بییخت
دل شهریاران پر از بیم اوست	بلا بر زمین تخت و دیهیم اوست
به کین پدر بنده را دست گیر	بخشای بر جان کاوس پیر

تو دانی که او را بدی گوهر است همان بدنزادست و افسون‌گرس
 فراوان بمالید رخ بر زمین همی خواند بر کردگار آفرین
 (همان: ۹)

افراسیاب با حملات پیاپی به مرزهای ایران شهر باعث ویرانی‌های گسترده شده و به تمامیت ارضی کشور تعرض کرده است. در دوران کاووس توجه چندانی به این موضوع نشده بود، اما کی خسرو برای پایان دادن به این بحران‌ها نبرد با تورانیان را در اولویت قرار می‌دهد. امنیت بخشیدن به مرزهای ایران با توران یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های شاهان ایران در دوره‌های گوناگون بوده است. از این‌رو، کی خسرو که انگیزه‌ای شخصی دارد، با برجسته کردن بحران‌های اقتصادی مرزنشینان سعی دارد توجه و رضایت سران کشوری و لشکری را جلب کند. از دید پور سیاوش کسانی که در این نبرد کشته می‌شوند، در آن سرا از زندگی شایسته‌ای برخوردار می‌شوند و مورد لطف اهورامزدا قرار می‌گیرند. بنابراین، سویه‌های این نبرد از دید کی خسرو علاوه بر اقناع خواسته‌های شخصی، ایدئولوژیک و معنویت‌گراست.

همه	خستگانند	از	افراسیاب
نخستین	جگرخسته	او	منم
دگر	چون	نیا	شاه آزادمرد
به	ایران زن	و	مرد ازو با خروش
کنون	گر	همه	ویژه یار منید
به	کین	پدر	بست خواهم میان
اگر	همگنان	رای	جنگ آورید
ما	این سخن	بیش	بیرون شود
هر	آن خون	که	آید به کین ریخته
اگر	مشته	آید	کسی زین سپاه
چه	گویند	و	این را چه پاسخ دهید
بدان‌اند	و	بر	بد شده پیش‌دست

(فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۰)

۱-۲. توسل به جنگ به عنوان آخرین راه‌حل و اولویت داشتن صلح

تمایل به برپایی صلح و صیانت از آن، یکی از کنش‌های اخلاقی مهم در جنگ‌های عادلانه محسوب می‌شود (حاج-اسماعیلی و حبیب‌اللهی، ۱۳۹۱: ۳۳). طرفین جنگ باید همه تلاش‌های خود را صرف این مهم کنند که با طرح و پیگیری گفت‌وگو صلح از بروز فجایع انسانی جلوگیری کنند. این مقوله در نبرد ایران و توران بارها دیده شده است. هنگامی که طوس با سپاه پیران‌ویسه روبه‌رو می‌شود، از طریق فرستادن رسول سعی می‌کند سردار تورانی را به صلح وادارد و مانع از آغاز جنگ شود. او با پیران‌ویسه پیمان می‌بندد که در صورت تسلیم شدن از جایگاهی رفیع نزد شاه ایران برخوردار خواهد بود. بخشیده شدن از سوی کی خسرو و رسیدن به مقام پهلوانی در دربار ایران از جمله وعده‌هایی است که از جانب طوس بازگو می‌شود تا زمینه‌های لازم برای برقراری صلح میان طرفین فراهم شود.

دل طوس غمگین شد از کار اوی
 چنین داد پاسخ که از مهر تو
 سر آزاد کن دور شو زین میان
 بر شاه ایران شوی با سپاه
 به ایران تو را پهلوانی دهد
 چو یاد آیدش خوب کردار تو
 همین گفت گودرز و گیو و سران

بیچید از درد گفتار اوی
 فراوان نشانست بر چهر تو
 ببند این در بیم و راه زبان
 مکافات یابی به نیکی ز شاه
 همان افسر خسروانی دهد
 دلش رنجه گردد ز تیمار تو
 بزرگان و تیمارکش مهتران

(فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۱۳)

رویکرد صلح‌جویانه طوس در جنگ با تورانیان در بخش دیگری هم نمود پیدا می‌کند. او پس از ناکامی در مرحله اول، دوباره سعی می‌کند با پیران‌ویسه وارد گفتگو و مذاکره شود تا او را از جنگیدن منصرف کند. سردار ایرانی برای نشان دادن حسن نیت خود با القابی نیکو و شایسته از پیران‌ویسه یاد می‌کند تا آرامش روانی را بر وجود او حاکم کند. طوس مصونیت جانی پیران-ویسه، خانواده و سپاهیان او را تضمین می‌کند و نه از موضع برتر، بلکه با گفتمانی صلح‌بنیاد با همتای تورانی خود صحبت می‌کند. طوس تلویحاً پیران‌ویسه را در شکل‌گیری این نبرد بی‌گناه می‌خواند و با بیان این مهم که شاه ایران حامی وی است، سعی در تغییر موضع او دارد.

بدو گفت طوس: ای سرافراز مرد
 تو هم نامداری ز توران‌سپاه
 دلت گر پذیرد یکی پند من
 تو با نامور پهلوان سپاه
 کین کینه تا زنده ماند یکی
 تو با خویش و پیوند و چندین سوار
 به خیره مده خویشان را به باد
 سزاوار کشتن هر آن کس که هست
 کزین کینه مرد گنهکار هیچ
 مرا شاه ایران چنین داد پند

سپهبد منم، هم سوار نبرد
 چرا رای کردی به آوردگاه؟
 بجویی برین پند پیوند من
 خرامان بیابی به نزدیک شاه
 نیاسود خواهد سپاه اندکی
 همه پهلوان و همه نامدار
 نباید که پند من آیدت یاد
 بمان تا ببازند بر کینه دست
 رهایی نیابد، خرد را بسیج!
 که پیران نباید که یابد گزند

(همان: ۱۱۹-۱۱۸)

در رزم یازده‌رخ هنگامی که سپاهیان تورانی با فرماندهی پیران‌ویسه نزدیکی مرز دو کشور در زبید مستقر می‌شوند، سپهسالار ایرانیان به نام گودرز کشاورزان از طرف کی خسرو مأمور مذاکره با طرف مقابل می‌شود تا او را به صلح دعوت کند و به تسلیم وادارد. گودرز با روش‌های گوناگون سعی می‌کند نظر پیران را از جنگ و ستیز برگرداند و تا آنجا که امکان دارد، از آغاز درگیری میان ایران و توران جلوگیری کند. او به پیران‌ویسه وعده می‌دهد که شاه ایران مقدار قابل توجهی از اموالی را که تورانیان در نبرد با ایرانیان به دست آورده‌اند، به آنها می‌بخشد و بابت چپاول‌های گذشته مجازات نمی‌شوند. این وعده‌ها در راستای ایجاد مصونیت و آرامش روانی برای تورانیان و جلوگیری از جنگ و خونریزی بازگو شده است.

دگر هرچه از گنج نزدیک توست
 به بیداد کز مردمان بستدی
 چه اندرخور شهریارست از آن
 ببخشیم دیگر همه بر سپاه
 دگر آنک پور گزین تو را
 برادرت هر دو سران سپاه
 بدان تا شوم ایمن از کار تو
 بهی آنگهی برگزین بر دو راه
 خود و دودمان پیش خسرو شوی
 کنم با تو پیمان که خسرو تو را
 ز مهر دل او تو آگه‌تری
 بشویی دل از مهر افراسیاب

همه دشمن جان تاریک توست ...
 فراز آوریدی به راه بدی ...
 فرستم به نزدیک شاه جهان
 بجای مکافات کرده گناه
 نگهبان گاه و نکین تو را
 مه هزمان برآرند گردن به ماه ...
 برآرد درخت وفا بار تو
 یکی راه یابی به نزدیک شاه
 بر آن سایه مهر او بغنوی
 به خورشید تابان برآرد سرا
 کزو چیز ناید جز از بهتری
 نبینی شب تیره او را به خواب

(همان، ج: ۴، ۱۵-۱۴)

۲. میانه جنگ

یکی از اصلی‌ترین قواعدی که در نظریه جنگ عادلانه وضع شده، مربوط به میانه جنگ است. برخورد با اسیران جنگی، غیرنظامیان، کشته‌شدگان، مجروحان و ... از جمله موضوعاتی است که می‌توان از نگاهی اخلاقی به آن توجه داشت. هدف نظریه جنگ عادلانه برجسته‌سازی این وجه در میانه نبرد است تا شأن انسانی حتی در اثنای وقایع چالش‌برانگیز حفظ شود. رعایت اخلاقیات در جنگ اگرچه از مذموم بودن این پدیده ویرانگر نمی‌کاهد، ولی آسیب‌های روانی و جسمانی ناشی از آن را برای طرفین درگیر کاهش می‌دهد.

در جریان نبرد میان کی‌خسرو و افراسیاب، با توجه به انگیزه‌های بالقوه شاه ایران برای کاربست هژمونی‌های خشن و قهری در برابر نیروهای دشمن، این انتظار وجود داشت که کی‌خسرو پس از غلبه بر تورانیان، آنها را به سخت‌ترین شکل ممکن مجازات نماید و غارت‌های بسیاری صورت گیرد و نظامیان و غیرنظامیان به ویژه کودکان و زنان با آسیب‌هایی جدی مواجه شوند. با این حال، کی‌خسرو با منشی نیکو و عاری از کین‌جویی با گروه مغلوب رفتار می‌کند و با پیروی از قوانین انسانی، جایگاه اخلاق را در این جنگ ارتقا می‌بخشد و از شدت خسارات انسانی و غیرانسانی جنگ می‌کاهد. این موضوع از دو زاویه کلی قابل بررسی است:

۱-۲. عدم تعرض به غیرنظامیان و عدم استفاده از روش‌های افراطی در رفتار با مردم مغلوب

در نظریه جنگ عادلانه، جلوگیری از تعرض به مردم و غیرنظامیان مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. در حین نبردی که میان سپاهیان ایرانی و تورانی درمی‌گیرد، هیچ گزارشی از تعرض به غیرنظامیان و چپاول مغلوبان دیده نشده است. توصیف فردوسی بیانگر رفتار اخلاقی سپاهیان ایران با مردم توران است که به دور از تهاجم، غارت، تجاوز و انهدام بوده است. شاه ایران برای برقراری ارتباط دوسویه با مردم این دیار، رفتاری عاری از خشونت بروز می‌دهد که این امر درخور توجه است. او برخلاف

سیره نظامی معمول رقیب و دشمن خود یعنی افراسیاب عمل می‌کند تا این پیام را به مردم توران انتقال دهد که نگاهی همراه با احترام به آنان دارد. کی خسرو با تمایزگذاری میان عامل جنایت علیه ایرانیان (افراسیاب) و مردم تحت ستم او، سعی می‌کند روشی متفاوت را برگزیند. این رفتار کی خسرو بیانگر درک درست او از واقعیات موجود است. طبق روایت فردوسی، شاه ایران پس از فتح یکی از نواحی متعلق به تورانیان به فرامرز که نماینده او در آن منطقه است، توصیه می‌کند با افراد غیرنظامی از روی خصم و کینه برخورد نکند و تنها در برابر شورشیان دست به شمشیر شود. حمایت از نیازمندان، رفتار جوانمردانه با مردم، پرهیز از جنگ‌های غیرضروری و عدم ثروت‌اندوزی، محورهای دیگری از اندرزهای اخلاقی شاه ایران است. ژرف‌کاوی این توصیه‌ها نشان از آن دارد که کی خسرو قصد دارد امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردمی را که مدتی پیش در زمره دشمنان ایران بودند، تأمین کند.

کون سربسر هندوستان تورااست	ز قنوج تا مرز دستان تورااست
هر آن‌کس که با تو نجویند جنگ	بریشان مکن روز تاریک و تنگ
به هر جایگه یار درویش باش	همه راد با مردم خویش باش
بین نیک تا دوستدار تو کیست	خردمند و انده‌گسار تو کیست
به بخشش بیارای و فردا مگوی	که فردا مگر تنگی آرد به روی
تو را دادم این پادشایی بدار	به هر جای خیره مکن کارزار
مشو در جوانی خریدار گنج	به بی‌رنج‌کس هیچ منمای رنج

(همان، ج ۳: ۲۳)

کی خسرو به سپاهیان ایرانی توصیه می‌کند تا پس از وارد شدن به سرزمین توران از آزار رساندن به مردم عادی پرهیز کنند. او این رفتار را بخشی از آیین کشورداری و پادشاهی می‌داند و از سربازان خود می‌خواهد که هرگز به کشاورزان و پیشه‌وران آسیب نرسانند و هیچ فردی را از روی اجبار برای جنگین با تورانیان با خود همراه نسانند. در این دستور، راهبردهای نظامی لشکریان ایرانی در تقابل با دشمن تورانی تعیین شده است که سویی‌هایی انسانی و اخلاقی دارد.

بدیشان چنین گفت بیدارشاه	که طوس سپهد به پیش سپاه
به پای‌ست با اختر کاویان	به فرمان او بست باید میان
نیازرد باید کسی را به راه	چنین‌ست آیین تخت و کلاه
کشاورز گر مردم پیشه‌ور	کسی کو به لشکر نبندد کمر
نباید که تازد برو باد سرد	مکشید جز با کسی هم‌نبرد
نباید نمودن به بی‌رنج رنج	که بر کس نماند سرای سپنج

(همان: ۲۸-۲۹)

کی خسرو به دلیل رفتارهای افراطی طوس در نبرد با برادرش، فرود که در جبهه مقابل قرار داشت، او را از فرماندهی سپاه ایران عزل کرده و با شماتت و درشت‌سخنی از وی استقبال می‌کند. پایبندی کی خسرو به رعایت اصول انسانی در جنگ با دشمن به اندازه‌ای برجسته است که حتی حاضر می‌شود سپهسالار خود را به دلیل عدول از عدالت نظامی تغییر دهد و او را راهی زندان کند.

فریبرز طوس و یلان را بخواند
 بخواند آن زمان نامه شهریار
 بیاورد طوس آن گرامی درفش
 به نزد فریبرز برد و بگفت
 به نزدیک شاه آمد از دشت جنگ
 زمین را ببوسید در پیش شاه
 به دشنام بگشاد لب شهریار
 وزان پس بدو گفت کای بدنشان
 نترسی همی از جهاندار پاک؟
 بکشتی کسی را که در کارزار
 تو را جایگه نیست در شارسران
 ز پیشش براند و بفرمود بند

ز کار گذشته فراوان براند ...
 جهان را درختی نو آمد به یار ...
 ابا کوس و پیلان و زرینه‌کفش
 که آمد سزا با سزاوار جفت ...
 به ره بر نکرد ایچ‌گونه درنگ
 نکرد ایچ خسرو بدو در نگاه
 بر آن انجمن طوس را کرد خوار
 که کم باد نامت ز گردن‌کشان
 ز گردان نیاید تو را شرم و باک؟ ...
 چو تو لشکری خواستی روز کار ...
 رزه باید و بند و بیمارستان ...
 به بند از دلش بیخ شادی بکند
 (همان: ۷۹-۸۰)

۲-۲- خوش رفتاری با اسیران جنگی

در نظریه جنگ عادلانه، رعایت حقوق اسیران اهمیت وافری دارد. سنت آگوستین جنگ را عاملی برای رسیدن به عدالت مدنی می‌داند (MacIntyre, 1981: 155). بر این پایه، اگرچه جنگ‌ها در مواقعی میراثی نامطلوب از خود برجای می‌گذارند، اما باید پذیرفت که «جنگ عادلانه وسیله‌ای است برای انسانی‌سازی جنگ و وارد کردن ضوابط انسان‌دوستانه در آن» (چامسکی، ۱۳۹۷: ۳۹۵). در این نظریه، جنگ به مثابه بستری فرض می‌شود که با وجود کاستی‌های متعدد، دربر دارنده شوون انسانی هم هست. توجه به حقوق اسیران و برخورد انسانی با آنان، یکی از نمودهای عینی فراگیری این نگاه است.

در جریان پیروزی لشکریان ایران بر سپاهیان توران، این رفتار دیده می‌شود که می‌توان آن را منبعث از اخلاق‌گرایی ایرانیان باستان به ویژه شخص کی‌خسرو دانست. اگرچه میان دو طرف، جنگی سخت درمی‌گیرد و خون‌های بسیاری ریخته می‌شود و خسارات مالی هنگفتی به وجود می‌آید، ولی در نهایت، هنگامی که سربازان افراسیاب شکست می‌خورند و تسلیم می‌شوند، با انتقام سخت ایرانیان مواجه نمی‌شوند. کی‌خسرو مانع هرگونه تعرض به مردم غیرنظامی می‌شود و پس از قطعیت شکست تورانیان و گریختن افراسیاب، رستم فرمان می‌دهد تا کشتار سربازان تورانی متوقف شود و همه اسیران جنگی در امان باشند.

چنین گفت رستم که کشتن بس است
 همه جامه رزم بیرون کنید
 بی‌آزاری و خامشی برگزین
 بجست اندر آن دشت چیزی که بود
 سراسر فرستاد نزدیک شاه

که زهر زمان بهره هر کس است ...
 همه خوب‌کاری بر افزون کنید ...
 که گوید که نفرین به از آفرین؟
 ز زرین و از گوهر نابسود
 غلامان و اسپان و تیغ و کلاه

(فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۸۰)

هنگامی که کی خسرو وارد سرزمین توران می‌شود، پیروزی‌های ایرانیان در نبرد با دشمن سرعت بیشتری می‌گیرد و بسیاری از سرداران تورانی یا کشته می‌شوند و یا از صحنه نبرد می‌گریزند. در نتیجه، شمار قابل توجهی از سربازان تورانی بی‌دفاع می‌مانند و خود را تسلیم می‌کنند. آنها در نامه زینهارخواهی خود به کی خسرو، ضمن اظهار پشیمانی و ندامت از گذشته خود، به شاه ایران اعلام وفاداری کرده و درخواست بخشش می‌کنند. کی خسرو با در نظر گرفتن مؤلفه‌های انسانی و بشردوستانه این درخواست را می‌پذیرد و همه تورانیان اسیر را می‌بخشد. نگاه شاه ایران در این موقعیت، از روی عدالت و انصاف است و با وجود آشکار بودن دشمنی این اسیران، جنبه‌های انسانی جنگ را از یاد نمی‌برد و از کشتن آنها درمی‌گذرد.

فرستاده	آمد	به	نزدیک	شاه	خردمند	گردی	ز	توران‌سپاه
که	ما	شاه	را	بنده	و	چاکریم	او	نسپریم ...
سپهد	شناسد	که	ما	خود	که	ایم	بهر	چه‌ایم
نُبدمان	به	کار	سیاوش	گناه	ببرد	آهرمن	شاه	را
به	توران	همه	دودمان	پرغم‌ست	زن	و	کودک	خُرد
نه	بر	آرزو	کینه‌خواه	آمدیم	ز	بهر	بر	و
ازین	جنگ	ما	را	بد	آمد	به	سر	پسر
به	جان	گر	دهد	شاهمان	زینهار	پیشش	کمر	بنده‌وار ...
سران	سربسر	پیش	اوی	آوریم	نه	با	کین	و
چو	بشنید	گفتار	ایشان	به	درد	ببخشودشان	شاه	آزادمرد

(همان، ج ۴: ۱۶۰-۱۵۹)

۳. پایان جنگ (برجسته بودن منافع انسانی و اصلاح و تجهیز دوباره پس از صلح)

پس از اتمام جنگ، اقداماتی که فاتحان انجام می‌دهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا سرنوشت مغلوب به طور کامل در اختیار آنها قرار دارد. در نتیجه، اتخاذ بهترین تصمیم‌ها می‌تواند در رشد و پویایی کیفیت زندگی مردم شکست‌خورده اثرگذار باشد. این مقوله در نظریه جنگ عادلانه نیز، مورد نظر قرار گرفته است. هنگامی که آتش جنگ و ستیز فروکش می‌کند، گام بعدی آغاز می‌شود که از آن می‌توان به دوران پساجنگ تعبیر کرد که همراه با تحولاتی مثبت یا منفی در سرزمین تسخیرشده است. آگوستین باور دارد «دست‌آورد صلح زمانی که جنگ برای صلح صورت گرفته باشد، نجات موقتی مردان از گناه است. بنابراین، اگر برای انسان نجات مردمان با صلح به دست آید، شیرین است» (آگوستین، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۳۹). این بدان معناست که صلح باید منجر و منتج به نجات طرفین شود. البته، آگوستین بار معنایی دینی و مذهبی به صلح داده است؛ زیرا از نگاه او، جنگ‌هایی که صرفاً با بن‌مایه دینی آغاز می‌شوند، موجب رهایی خواهند شد. بنابراین، «به‌کارگیری جنگ [عادلانه] نه تنها نباید دشمنی و بی‌نظمی شدیدتری را ایجاد نماید، بلکه برعکس باید سبب خیر، منفعت و برقراری مجدد عدالت شود» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۱۷۹). اصولاً جنگ‌های دینی برای تحقق این هدف صورت می‌گیرد تا در دوران صلح، ثبات و آرامش در سرزمین‌های تسخیرشده فراگیر شود و جامعه به سوی تعالی الهی گام بردارد.

اگرچه در جنگی که میان کی‌خسرو و افراسیاب روی می‌دهد، در ابتدا صلحی برقرار نمی‌شود، اما پس از قطعی شدن پیروزی سپاهیان ایرانی، فرماندهان تورانی تسلیم می‌شوند و به صلح تن می‌دهند. بررسی رفتار کی‌خسرو پس از این رویداد مهم نشان می‌دهد که منافع انسانی در ساختار راهبردهای سیاسی او اهمیت ویژه‌ای دارد و با نظرداشت این راهبرد سعی می‌کند با نگاهی انسانی و به دور از تعصبات معمول، در پی بازسازی زیرساخت‌های سیاسی، اقتصادی و دینی سرزمین توران باشد. هدف او این بوده است که وضعیت خطرآفرین و نامطلوب دوران افراسیاب را برهم زند و طرحی نو دراندازد. از این رو، کی‌خسرو پس از شکست افراسیاب و تسلط بر توران، اقدامات و اصلاحات شایسته‌ای انجام می‌دهد. از جمله اینکه به آتشکده‌ها می‌رود و در آنجا با موبدان تورانی هم‌پیمان می‌شود و از آنها به صورت مالی و معنوی پشتیبانی می‌کند. این اقدام کی‌خسرو تا حدودی می‌تواند در پی بردن به ماهیت نبردهای ایران و توران و نقش دین در ساماندهی به برخی آسیب‌های ناشی از جنگ اثرگذار باشد.

چو دمدار برداشتی، پیشرو	به منزل رسیدی همی نو به نو
بیامد برنی هم‌نشان تا به چاج	بیاویخت تاج از بر تخت عاج
به سغد اندرون بود یک هفته شاه	همه سغد شد شاه را نیک‌خواه
وز آنجا به شهر بخارا کشید	ز لشکر هوا شد همی ناپدید
بخورد و بیاسود و یک هفته بود	دوم هفته با جامه نابسود
بیامد خروشان به آتشکده	غمی بود از آن روزهای شده ...
بگسترد بر موبدان سیم و زر	بر آتش پراگند چندی گهر
وزان جایگه سر به رفتن نهاد	همی‌رفت با کام دل شاه شاد

(فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۳۰۷)

اولین اقدام کی‌خسرو پس از کشتن افراسیاب و گرسیوز، کمک‌های مالی و دستگیری از طبقه دینی و عوام بوده است. فردوسی راهبردهای کشورداری کی‌خسرو پس از فتح توران را مبتنی بر دو مقوله محوری و بنیادی دادگری و دهش توصیف کرده است. او با انجام این کنش‌ها این پیام را به مخاطبان خود انتقال می‌دهد که قصد حمایت از مردم آسیب‌دیده را دارد و اگرچه او و سپاهیان مالک و صاحب همه‌چیز در توران هستند، اما به واسطه قواعد انسانی و اخلاقی، تمایلی به آزار مردم تحت ستم افراسیاب ندارند و تلاش آنها برای تغییر دادن اوضاع به سود مردم است.

چو گنجور کی‌خسرو آمد زرسپ	بخشید گنجی بر آذرگشسب
بر آن موبدان خلعت افگند نیز	درم داد و دینار و هرگونه چیز
به شهر اندرون هر که درویش بود	وگر خوردش از کوشش خویش بود
بر آن نیز گنجی پراگنده کرد	جهانی به داد و دهش بنده کرد
وزان پس به تخت کی‌ای برنشست	در بار بگشاد و لب را بیست

(همان: ۳۲۴)

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، رویارویی نظامی ایران و توران در زمان کی خسرو با عنایت به مبانی نظریه جنگ‌های عادلانه بررسی و کاویده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هدف، قصد و انگیزه اصلی کی خسرو از حمله به توران در چهار مورد خلاصه می‌شود: ۱. احیاء غرور جریحه‌دار شده ایرانیان ۲. کین‌خواهی خون پدر ۳. از بین بردن ساختار سیاسی تورانیان به عنوان رقیب و تهدید سنتی ۴. برچیدن حکومت تورانیان به عنوان نمود انسانی نیروهای اهریمنی. همان‌طور که پیداست، انگیزه‌های دینی و ایدئولوژیک به همراه اهداف شخصی در شکل‌گیری این نبرد خونین مؤثر بوده است و اقدام شاه ایران با مصداق‌های جنگ عادلانه و واقع‌گرا سازگاری دارد.

کی خسرو با تشخیص درس و بهنگام عامل بحران در مرزهای ایران و برای حفظ منافع حاکمیتی، برهم‌زدن ساختار سیاسی توران را در اولویت‌های اصلی کشورداری خود قرار می‌دهد و سرانجام، با جلب رضایت سران کشوری و لشکری خواسته‌اش را محقق می‌سازد. با وجود همه انگیزه‌های شخصی و جمعی که در تصمیم شاه ایران شهر برای تقابل با تورانیان دیده می‌شود، اما او سعی می‌کند خسارت‌های ناشی از جنگ را تا حد ممکن کاهش دهد. راهبردهای سپاه ایران در میانه جنگ بر اساس مبانی نظریه جنگ عادلانه توجیه‌پذیر است. در شاهنامه هیچ گزارشی از رفتار غیرانسانی و نامربوط شاه با غیرنظامیان و اسیران جنگی، غارت، انهدام، تجاوز و ... ارائه نشده است. حتی به صراحت ذکر شده است که کی خسرو به سپاهیان ایران دستور می‌دهد از تعدی به کشاورزان و پیشه‌وران پرهیز کنند. همچنین، او عده کثیری از خون‌لشکریان تسلیم‌شده تورانی درمی‌گذرد و آنها را در سراسر توران-زمین پراکنده می‌کند تا به زندگی عادی خود مشغول شوند.

پس از اتمام جنگ و برقراری صلح و آرامش در توران، کی خسرو به دور از تعصب و افراطی‌گری، در نخستین گام، ساختار سیاسی این کشور را تغییر می‌دهد و در هنگام بازگشت به ایران با گذر از شهرهای مختلف توران، کمک‌های مالی شایانی را به افراد نیازمند و کم‌بضاعت ارائه می‌دهد و حمایت‌های معنوی خود را از متولیان نهاد دین اعلام می‌دارد و مبالغ قابل توجهی را برای گذران امور آتشکده‌ها به موبدان پرداخت می‌کند.

در مجموع باید گفت که لشکرکشی کی خسرو به توران و تقابل نظامی او با افراسیاب در زمره جنگ‌های عادلانه قرار می‌گیرد و اگرچه سویه‌هایی از جنگ واقع‌گرا در آن دیده می‌شود، اما کلیت این نبرد برای رسیدن به اهداف متعالی و جمعی به وقوع پیوسته است. در نتیجه، روند حرکتی این جنگ را می‌توان چنین در نظر گرفت: آغاز جنگ: (واقع‌گرا/ عادلانه)؛ میانه و پایان جنگ: (عادلانه و منطبق با آموزه‌های انسانی).

جدول ۱. بررسی تقابل نظامی کی خسرو با افراسیاب بر اساس مبانی نظریه جنگ عادلانه

مبانی نظریه جنگ عادلانه	رفتارشناسی سپاه ایران در جنگ با توران
۱. آغاز جنگ	- هدف و قصد جنگ (براندازی پادشاهی افراسیاب و برهم‌زدن ساختار سیاسی توران).
	- انگیزه جنگ (۱. احیاء غرور جریحه‌دار شده ایرانیان ۲. کین‌خواهی خون پدر ۳. از بین بردن ساختار سیاسی تورانیان به عنوان رقیب و تهدید سنتی ۴. برچیدن حکومت تورانیان به عنوان نمود انسانی نیروهای اهریمنی).

<p>- توسل به جنگ به عنوان آخرین راه حل و اولویت داشتن صلح (تلاش چندبارهٔ سرداران سپاه ایران برای مذاکره با پیران‌ویسه و جلب رضایت او جهت تن دادن به صلح؛ تأکید کی‌خسرو بر حل مسالمت‌آمیز تقابل نظامی با پیران‌ویسه).</p>	
<p>- پیروی از قوانین انسانی و جایگاه اخلاق در جنگ (رفتار اخلاقی و به دور از تهاجم، غارت، تجاوز، انهدام و ... لشکریان ایران پس از ورود به توران؛ رفتار عاری از خشونت با اسیران جنگی و بخشیده شدن از سوی کی‌خسرو؛ حمایت از غیرنظامیان تورانی همچون: کشاورزان و پیشه‌وران و ...).</p>	۲. میانهٔ جنگ
<p>- برجسته بودن منافع انسانی و اصلاح و تجهیز دوباره (تلاش کی‌خسرو برای بازسازی بحران‌های اقتصادی توران؛ اعطای دهش‌های فراوان به مردم ستمدیده و بی‌بضاعت توران).</p>	۳. پایان جنگ

جدول ۲. بررسی همسانی‌های تقابل ایران و توران بر اساس مبانی جنگ عادلانه و واقع‌گرا

جنگ واقع‌گرا	جنگ عادلانه	مبانی و مؤلفه‌ها
*	*	هدف و قصد جنگ
*	*	انگیزهٔ جنگ
	*	توسل به جنگ به عنوان آخرین راه حل و اولویت داشتن صلح
	*	پیروی از قوانین انسانی و جایگاه اخلاق در جنگ
	*	برجسته بودن منافع انسانی و اصلاح و تجهیز دوباره

- آگوستین، اعترافات قدیس آگوستین، ترجمه سایه میثمی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۷.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی، (۱۳۷۰)، نامه نامور؛ گزیده شاهنامه فردوسی، تهران: سخن.
- باقری، سعید و حقیقت، صادق، (۱۳۹۲)، «نظریه جنگ عادلانه در فلسفه سیاسی سنت آگوستین»، مجله غرب‌شناسی بنیادی، سال ۴، شماره ۲.
- تجلیل، جلیل و سراج‌خرمی، ناصر و داوودنیا، نسرین، (۱۳۹۲)، «شخصیت ضداجتماعی افراسیاب در شاهنامه فردوسی»، مجله بهار ادب، سال ۶، شماره ۲، صص ۱۳۰-۱۱۱.
- ترکمنی‌آذر، پروین، (۱۳۹۹)، «ارزیابی ماهیت فتح ایران بر اساس نظریه جنگ‌های عادلانه»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۱۶، شماره ۳۲.
- چامسکی، نوام، (۱۳۹۷)، «نظریه جنگ عادلانه»، مجموعه مقالات دانشنامه جنگ و صلح (فیلسوفان و جنگ)، ترجمه محمد اسکندری، تهران، صدای معاصر.
- حاج‌اسماعیلی، محمدرضا و حبیب‌اللهی، مهدی، (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل نظری اخلاق جنگ در قرآن و حدیث»، پژوهشنامه اخلاق، سال ۵، شماره ۱۵.
- سلامت‌باویل، لطیفه، (۱۳۹۸)، «کارکرد سیاسی داستان سیاوش و روابط بین ایرانیان و تورانیان در شاهنامه»، مجله مطالعات ایرانی، سال ۱۸، شماره ۳۵.
- شهیدی مازندرانی، حسین، (۱۳۷۶)، مرزهای ایران و توران بر بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران: نشر بلخ.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۳)، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی‌مطلق، زیر نظر احسان یارشاطر، کالیفرنیا: بنیاد میراث ایران و نشر مزدا.
- موزلی، الگزاندر، (۱۳۹۷)، «نظریه جنگ عادلانه»، مجموعه مقالات دانشنامه جنگ و صلح (کلیات)، ج ۱، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، صدای معاصر.
- مهدویان، علیرضا و افتخاری، اصغر، (۱۳۹۷)، «شاخص‌های جنگ عادلانه در سیره نظامی امیرالمؤمنین(ع)»، مجله مطالعات تاریخی اسلام، سال ۱۰، شماره ۳۸.

- Augustine of Hippo, (2010), The City of God (De Civitate Dei), Translate By Marcus Dads, Publisher Mobile Reference.

- MacIntyre, AC, (1981), After Virtue: A Study in Moral Theory, Notre Dame, University of Notre Dame press.